



ربانی: پرونده‌های ترورهای زنجیره‌ای به صورت شفاف بررسی شود



صفحه ۲

1155 SATURDAY | 01 OCTOBER 2016 | YEAR 05

۱۱۵۵ شنبه | ۱۰ میزان ۱۳۹۵ | سال پنجم

عزیزی بانک جایزه بهترین بانک تاثیر گذار اجتماعی در افغانستان (Best Social Impact Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی سرمایه مالی (Capital Finance International) و جایزه بهترین بانک نحوه مدیریت و قانونمند (Best Governed Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی تلاش برای پیشگام بودن (Quest on the Frontier) را در شهرهای لندن و دوی بدست آورد.

عزیزی بانک
Azizi Bank

[f](#)
[in](#)
[t](#)
[You Tube](#)
www.azizibank.af
1515

یادداشت روز

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

	ISTANBUL		JEDDAH		HERAT
	DUBAI		DELHI		KANDAHAR
	ANKARA		MOSCOW		

[Facebook.com/flyariana](#)

[ariana.afghan.ariana](#)

[twitter.com/flyARIANAafghan](#)

[youtube.com/user/flyariana](#)

+93(0)777071333

+93(0)700071333

+93(0)790071333

+93(0)786071333

www.flyariana.com

info@flyariana.com

بیشتر صحبت نمایید - کمتر پردازید

60000

دقیقه فقط در بدل ۴۹۹ افغانی برای ۳۰ روز

از افغان بیسیم به افغان بیسیم

برای اشتراک

* ۲ ۳ ۳ * ۲ * ۱

را دایر نمایید

افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

یک شرکت افغانی، توسط افغانها، برای افغانها | برای لغو اشتراک # ۲ * ۳ ۳ * ۲ * ۱ را دایر نمایید

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



شنبه
۱۰ میزان
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۱۵۵



یادداشت روز

عزت جنایت کاران و فراموشی قربانیان

سرانجام توافق‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی به‌رهبری گلبدین حکمتیار نهایی و سند موافقت‌نامه‌ی صلح با این گروه میان محمد اشرف غنی رییس‌جمهورکشور و گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی از راه دور و از طریق کنفرانس ویدیویی امضا شد. بر اساس این توافق‌نامه جنگجویان حزب اسلامی از جنگ دست خواهند کشید و دولت نیز زمینه‌ی زیست مصئون برای رهبران این حزب را فراهم خواهد کرد. به مهاجرین حزب اسلامی زمین توزیع خواهد شد، به رهبران این حزب مصئونیت قضایی اعطا می‌شود و فرماندهان واجد شرایط این حزب جذب دولت خواهند شد.

آقای حکمتیار در این نشست یک‌بار دیگر بر پیش‌شرط خود برای خروج کامل نیروهای خارجی از کشور تأکید کرد و تأمین صلح دائمی در افغانستان را وابسته به خروج کامل این نیروها دانست. آقای حکمتیار صلح حزب اسلامی با دولت را بر میدان جنگ افغانستان تأثیرگذار دانست و جنگ را عامل بدبختی یک نسل دیگر در افغانستان برشمرد. او از سایر گروه‌های مسلح خواست که به روند صلح بپیوندند و در کنار مردم به زندگی عادی و بازسازی افغانستان بپردازند.

حکمتیار همچنان از مسئولین حکومت خواست که بر اجرای درست این موافقت‌نامه صادق باشند و دزدان و فاسدان را از حکومت بیرون بیاورند و مسئولیت‌های ملی را بسپارند به فرزندان خادم و صادق این وطن.

توافق‌نامه‌ی صلح میان حکومت و حزب اسلامی در حالی امضا می‌شود، که قربانیان جنگ‌های داخلی و قربانیان چند دهه جنگ جاری در افغانستان از این توافق ابراز نارضایتی می‌کنند و در روز امضای توافق‌نامه میان رییس‌جمهور غنی و گلبدین کمپاین دادخواهی برای قربانیان جنگ‌های داخلی در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد و دادخواهان از اعطای مصئونیت قضایی به گلبدین و رهبران حزب اسلامی و در عین‌حال از برگشت یکی از بدنام‌ترین چهره‌های تاریخ افغانستان، انتقاد کردند.

از جانب دیگر افزون بر این اعتراض‌های مردمی نسبت به امضای توافق‌نامه، کارشناسان جنگ و تحلیل‌گران سیاسی از نرمش و واگذاری بیش از حد دولت به حزب اسلامی حکمتیار انتقاد می‌کنند. باور غالب این است که حزب اسلامی به‌رهبری حکمتیار دیگر آن توانایی تخریب و نفوذ گسترده‌ی سابق را ندارد. بسیاری از افراد برجسته و تأثیرگذار حزب اسلامی همین اکنون در چارچوب دولت مصروف فعالیت‌های رسمی‌اند و چهره‌های شاخص این حزب راه‌شان را از سال‌ها قبل از حکمتیار جدا کرده‌اند. حزب اسلامی آن‌گونه که ادعا می‌کنند و آن‌گونه که دولت برای توافق با این حزب، امتیازات فراوانی واگذار کرده است، تأثیر چندانی در میدان جنگ افغانستان نداشته و ندارد. بسیاری از جنگجویان این حزب یا با ترک جنگ به زندگی عادی برگشته‌اند یا با حفظ تفنگ و اسلحه در قالب گروه طالبان مصروف نبرد با حکومت‌اند. حزب اسلامی دیگر کنتری بر جنگجویان اسبق این حزب ندارد و از این لحاظ صلح با حکمتیار بر میدان جنگ تأثیر فوری بر جا نخواهد گذاشت.

بنابراین با در نظر داشت فراموشی قربانیان جنایات حزب اسلامی حکمتیار و با در نظر داشت این واقعیت که حزب اسلامی عملاً جنگجویی را در میدان‌های جنگ مدیریت و رهبری نمی‌کند، واگذاری این همه امتیاز و خصوصاً مصئونیت قضایی به یکی از بدنام‌ترین و جانی‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر افغانستان، یک توافق ناسنجیده برای امتیازدهی و زنده‌سازی یک رهبر طردشده و منسوخ‌شده است. این توافق بر جنگ جاری تأثیری بر جا نخواهد گذاشت اما منجر به دلبری و شجاعت جنایت‌پیشگان و آدم‌کشان در افغانستان خواهد شد.

در حالی‌که انتظار می‌رفت نظام جدید که حقوق بشر یکی از ارزش‌های اساسی آن است، منجر به انزوا، محاکمه و محدودسازی جنایت و جنایت‌کاران شود، توافق اخیر نشان داد که سیاستمداران، جنایت‌کاران را نسبت به قربانیان ترجیح می‌دهد و تأمین حقوق بشر و بازخواست از جنایت‌پیشگان در معرض فراموشی است.

ربانی: پرونده‌های ترورهای زنجیره‌ی به صورت شفاف بررسی شود

اطلاعات روز: صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه و رییس حزب جمعیت اسلامی افغانستان می‌گوید که حزب جمعیت در جریان پرونده‌ی ترور برهان‌الدین ربانی نیست و این پرونده و پرونده‌های قتل‌های زنجیره‌یی شخصیت‌های دیگر در ۱۵ سال گذشته باید به صورت شفاف و صادقانه بررسی شده و جمعیت اسلامی نیز در جریان آن قرار گیرد. دیروز در تالار لویه‌جرگه، از پنج‌مین سالیاد ترور برهان‌الدین ربانی، رییس‌جمهور اسبق و رییس سابق شورای عالی صلح با حضور مقام‌های دولتی، شخصیت‌های سیاسی و فرماندهان جهادی سابق بزرگداشت به‌عمل آمد.

صلاح‌الدین ربانی در این مراسم گفت از نهادهای عدلی و قضای کشور و رهبران حکومت وحدت ملی به‌صورت جدی می‌خواهیم که پرونده‌ی ترور استاد ربانی و قتل‌های زنجیره‌یی دیگر جداً مورد بررسی قرار گیرد.

آقای ربانی افزود: «برخوردهای گنگ، مبهم و غیرشفاف با پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌یی در یک‌ونیم دهه‌ی اخیر از قهرمان ملی گرفته تا رهبری جهاد و مقاومت و دیگر شهدا برای مردم غیل قابل قبول خواهد بود.»

برهان‌الدین ربانی، رییس‌جمهور سابق پنج سال پیش از در خانه‌اش از سوی فرد انتحاری

که خود را پیام‌آور صلح خوانده بودند، هدف حمله‌ی انتحاری قرار گرفت و کشته شد.

گفته می‌شود که احمد شاه مسعود، جنرال داوود داوود، برهان‌الدین ربانی و چند تن افراد سیاسی دیگر که شماری از آن‌ها اعضای حزب جمعیت بودند، به‌صورت زنجیره‌یی به قتل رسیده‌اند.

حکومت در ماه ثور امسال حکم اعدام شش تن از مرتکبین جرایم سنگین و جنایات علیه افراد ملکی را اجرا کرد که در میان آن‌ها، یک‌تن از عاملان ترور برهان‌الدین ربانی نیز اعدام شد.

آن زمان شورای رهبری حزب جمعیت اسلامی افغانستان گفت که در رابطه به اجرای حکم اعدام یکی از عاملان ترور شهید ربانی، حزب جمعیت و خانواده‌ی ربانی در جریان گذاشته نشده است.

حزب جمعیت تأکید کرده بود که برای شناسایی عوامل پیدا و پنهان قضیه‌ی ترور آقای ربانی تحقیقات گسترده‌تر و شفاف صورت گیرد. این حزب آن زمان نیز از حکومت خواسته بود که عاملان ترورهای زنجیره‌یی که شخصیت‌هایی این حزب را طی ۱۵ سال اخیر از میان برداشته‌اند شناسایی شوند و نیز و تمام ابعاد قضایای «ترورهای زنجیره‌یی» برای مردم افغانستان روشن گردد. ظاهراً اما حکومت و نهادهای عدلی و

نشست بروکسل؛ انتظار کمک سه میلیارد دلاری در مقابل انجام اصلاحات

از سوی دولت افغانستان

نکرده‌اند. اما مقام‌های حکومتی تأکید دارند که برای حضور در نشست بروکسل آمادگی دارد. مقام‌های حکومتی امیدواراند که حکومت افغانستان و نمایندگان جامعه‌ی جهانی بتوانند در نشست بروکسل چوکات روشن و مؤثری از تعهدات متقابل ارائه کنند.

اجمل عبدالرحیم‌زی، سخن‌گوی وزارت مالیه گفته است که حکومت افغانستان برای نشست بروکسل آمادگی گرفته است و با دست‌آور به این نشست رفته و با دست پر برمی‌گردد. در حال حاضر ۷۰ در صد از هزینه‌ی مالی دولت افغانستان از طریق کمک‌کننده‌های خارجی تأمین می‌شود.

در ماه سرطان امسال سران کشورهای عضو ناتو در وارسا بر ادامه‌ی حمایت سیاسی و مالی‌شان از افغانستان تا سال ۲۰۲۰ توافق کردند و بر اساس این توافق، ۳.۵ میلیارد دلار را امریکا، یک میلیارد دلار را دیگر کشورهای عضو ناتو و ۵۰۰ میلیون دلار را هم دولت افغانستان فراهم می‌کند.

انتظار ایالات متحده‌ی امریکا این است که کشورهای کمک‌کننده سالانه تا سه میلیارد دلار را به افغانستان کمک کنند. امریکا همزمان از دولت افغانستان انتظار دارند پول‌های کمکی به‌صورت شفاف و در جاهای درست به مصرف برسد.

نشست بروکسل در چهارم و پنجم اکتوبر در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار می‌شود. در این نشست حدود ۷۰ کشور و ۳۰ سازمان و نهاد بین‌المللی شرکت می‌کنند. نمایندگان کشورهای جهان در مورد چگونگی ادامه‌ی کمک‌ها به افغانستان در نشست دو روزه در بروکسل بحث خواهند کرد.

در آستانه‌ی این نشست مهم برای افغانستان، انتقادهای رهبران حکومت وحدت ملی این است که به تعهدات‌شان در راستای اصلاحات عمل نکرده. مبارزه با فساد، اصلاح نظام انتخاباتی، مصرف کمک‌های جامعه‌ی جهانی در جاهای درست از موضوعاتی است که همواره از رهبران حکومت انتقاد می‌شود که در این راستا کاری

اطلاعات روز: در آستانه‌ی برگزاری نشست بروکسل که در آن کشورهای کمک‌کننده به افغانستان ادامه‌ی حمایت‌شان از افغانستان را اعلام خواهد کرد، مقام‌های امریکایی گفته‌اند که در این نشست سالانه مبلغ سه میلیارد دلار در چهار سال آینده برای توسعه‌ی افغانستان در نظر گرفته خواهد شد.

ریچارد اولسون، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور افغانستان و پاکستان در همایشی در واشنگتن گفته است تعهد این مقدار کمک وابسته به تعهدات افغانستان برای انجام اصلاحات است. آقای اولسون تأکید کرده که این کمک سه میلیارد دلاری «یک چک سفید نیست و می‌تواند وابسته به پیشرفت افغانستان در انجام اصلاحات، از جمله مبارزه با فساد اداری باشد.»

این مقام امریکایی تصریح کرده که او انتظار دارد دولت افغانستان با هدف پایان بخشیدن به وابستگی مالی خارجی و ایجاد انگیزه برای رشد اقتصادی، برنامه‌های «جاه‌طلبانه‌ی میان‌مدتی را ارائه کند.»

یوناما: در حمله‌ی پهپاد نیروهای امریکایی در اچین نگرهار ۱۵ غیر نظامی

کشته شده‌اند

انجام این حمله‌ی هوایی اعتراف کرده اما از ارائه‌ی جزئیات در این مورد خودداری کرده و تنها گفته‌اند که «هنوز مصروف بررسی تمامی شواهد در مورد این حمله‌ی هوایی می‌باشند.» هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان از نیروهای بین‌المللی خواسته که در مورد این حادثه به‌شکل عاجل و به‌گونه‌ی مستقل، بی‌طرفانه، شفاف و موثر تحقیق نمایند. پیشتر برخی منابع محلی نیز گفته بودند در حمله‌ی هوایی‌های بدون سرنشین خارجی به مهمان‌خانه‌ی یک فرد بانفوذ محلی که تازه از زیارت حج بازگشته بود، شماری از غیرنظامیان کشته شده‌اند.

قومی از مراسم حج را جشن گرفته بودند. یوناما کشته شدن این غیرنظامیان را محکوم کرده و از تمام طرف‌های درگیر در جنگ خواسته که باید به مسئولیت‌های خود عمل و قانون بشردوستانه‌ی بین‌المللی را احترام کنند. در اعلامیه‌ی یوناما آمده است که غیرنظامیان قربانی در این حمله محصلان، یک معلم و اعضای خانواده‌هایی بودند که «تصور می‌شود» حامی دولت باشند. اعلامیه به نقل از گزارش منابع دولتی نوشته که در این حمله اعضای داعش نیز کشته شده‌اند. یوناما نقل کرده که نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان در یک اعلامیه‌ی مطبوعاتی به

اطلاعات روز: یوناما یا هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان اعلام کرده است که در حمله‌ی دو روز پیش هوایی‌های بدون‌سرنشین نیروهای امریکایی در ولسوالی اچین ولایت نگرهار ۱۵ غیرنظامی کشته و ۱۳ تن دیگر زخمی شده‌اند.

روز چهارشنبه مقام‌های محلی ولایت نگرهار خبر دادند که در یک حمله‌ی پهپاد نیروهای امریکایی بر محل تجمع اعضای گروه داعش، ۱۳ عضو این گروه کشته شده‌اند.

اما یوناما می‌گوید که کشته شده‌ها اعضای گروه داعش نه، بلکه غیرنظامیانی بودند که در منزل یک بزرگ قومی تجمع کرده و برگشت این بزرگ

اول هلمند، بعد افغانستان

سفری به جنوب تحت محاصره‌ی این کشور سربازان بی‌روحیه، مقام‌های محلی فاسد و دستاوردهای گسترده‌ی طالبان در شهرهایی رانشان می‌دهد که قبلاً امن بودند. «جنگ خوب» او با ما چگونه تا این حد به مسیر اشتباه رفت؟

فارین پالیسی / سونه انگل راسموسن

ترجمه: حمید مهدوی

بخش چهارم و پایانی:

ملکی‌ها به طالبان نیز آزادی عمل نمی‌دهند. داستان‌های بی‌رحمی این ستیزه‌جویان را نیز می‌شنویم. وقتی طالبان ولسوالی حکومت‌پسند ناوه در مرز لشکرگاه را تصرف کردند، صدها خانواده فراری شدند. غلام‌خان، مدیر ۵۲ ساله‌ی لیسوی محلی، در میان آن‌ها بود. چند روز پس از آن که تصرف [ولسوالی ناوه] توسط طالبان، او تصمیم گرفت با پسرش به قریه برگردد. ناوقت شام همان روز، دو جنگجوی طالب به دروازه‌ی اصلی خانه او در زدند. پسرش دروازه را گشود و از او خواسته شد تا برود و پدرش را بیاورد. وقتی خان به دم دروازه آمد، ستیزه‌جویان را بیرون بردند. به گفته‌ی ولی محمد، برادرزاده‌ی او، طالبان با شلیک گلوله به قلب و سر او، او را کشتند. یک انگیزه‌ی احتمالی برای کشتن او می‌تواند این باشد که او کارمند حکومت بود، هرچند اعضای خانواده‌اش می‌گویند هیچ سرنخی نیافتند که بدانند چرا او هدف قرار گرفت.

با پیشروی طالبان، خشونت خانواده در دره شکسته است. یک روز بعد از ظهر، نزدیک به صد زن با برقع‌های آبی در مقابل دفتر والی صف کشیده بودند و منتظر دریافت پاکت‌های ۱۰۰۰ افغانی مخصوص زنان بیوه بودند. اکثریت آن‌ها از ناوه هستند. ذاکره، یکی از این زنان، می‌گوید که این اولین بار است که پس از آمدن خارجی‌ها در هلمند در سال ۲۰۰۱، طالبان در منطقه‌اش حضور دارند. او که بی‌وقفه می‌گرید، با من در مورد پسرش که در خانشین پولیس بوده است، قصه می‌کند. او می‌گوید: «وقتی طالبان حمله کردند، او ناپدید شد.»

او تنها پسر بود و به خانواده کمک می‌کرد. یک مایل دورتر از این جا، صدها تن بیرون حیاطی که در آن جمعیت هلال‌احمر افغانستان برای توزیع غذا به خانواده‌های بیجاشده آمادگی می‌گیرد، صف کشیده‌اند. اسدالله مایار، رییس شاخه‌ی هلمند این نهاد خیریه، می‌گوید که در دو هفته حدود ۳۰۰۰ تن بیجا شده‌اند. باوجودی که [این کار جمعیت هلال‌احمر افغانستان] مفید است، اما اتفاق ذاتاً تحقیرکننده‌ی این جا می‌افتد. یک محافظ مسلح قنطاق تفنگش را به روی افراد جوان می‌کشد تا آن‌ها را وادار به عقب نشستن کند. افراد بیجاشده، پس از ورود [به حیاط]، هنگامی که توزیع کم‌کم شروع می‌شود، دوباره صف می‌کشند. رییس هلال‌احمر با چند داوطلبی که لیخنه بر لب دارند، برای ده دقیقه، قبل از این که نفر دوم را بخواهند، با هر کمک‌گیرنده عکس می‌گیرند. در آخر صف، بسم‌الله سیاه را می‌یابم، کسی که در روز اول با او ملاقات کردیم. او هیچ‌یک از آن‌ها را ندارد. او خانواده‌ی دارد که باید برایش غذا تهیه کند. به طرف جلو قدم برمی‌دارد، شال پشمی‌اش را روی زمین می‌گذارد، مواد غذایی را [در آن] می‌بندد و می‌رود.

تعدادی نگران‌اند که طالبان احتمالاً می‌توانند آن‌چه را که سال گذشته در شهر شمالی قندوز انجام دادند و برای دو هفته این شهر را تصرف کردند، در هلمند تکرار کنند. هرچند، قندوز لشکرگاه نیست. حیات، والی هلمند، می‌گوید: «هیچ شانس برای سقوط لشکرگاه به دست طالبان وجود ندارد. شکی وجود ندارد که بسیاری از افراد طالبان، رهبری آن‌ها و دیگران، از این منطقه هستند؛ اما اگر از کشاورزان و مردمی که این جا زندگی می‌کنند بپرسید، آن‌ها از حکومت حمایت می‌کنند.»

کندز آمیزه‌ی از اقوام است و احساسات ضدولتی سال‌ها در آن جا تحریک شده است و نفوذ طالبان در این شهر را ممکن ساخته است. در لشکرگاه، اکثریت قریب به اتفاق پشتون هستند و اکثریت قبایلی که بخش بزرگ لشکرگاه را کنترل می‌کنند مخالف طالبان هستند. با این حال، امیری مخالف این گفته است که طالبان



نمی‌توانند بر این شهر یورش ببرند. او می‌گوید: «تعجب می‌کنم که آن‌ها هنوز لشکرگاه را تصرف نکرده‌اند. این سربازان نیست که لشکرگاه را کنترل می‌کنند، جغرافیا است.»

رودخانه‌ی دیوار دفاعی از مرکز این ولایت است و لشکرگاه توسط بیابان احاطه شده است که دفاع از آن را آسان ساخته است. با این حال، امیری نگران است که ممکن طالبان به اندازه‌ی قوی شوند که مرکز این ولایت را، بدون نفوذ در آن، با قدرت محض بگیرند. وقتی این کار را انجام بدهند، سرنوشتی آن‌ها دشوار خواهد بود. او می‌گوید: «قندوز چند قبیله‌ی است که این شهر را در مقابل نفوذ آسیب‌پذیر ساخته است، اما برای بازپس‌گیری آن نیز آسیب‌پذیر ساخته است.» اگر [لشکرگاه] سقوط کند، پایگاه مستحکم‌ی برای طالبان خواهد بود. در هر دو صورت، بسیاری‌ها انتظار دارند که طالبان در خزان سال جاری حمله‌ی را بر این شهر راه‌اندازی خواهند کرد. یک منبع استخباراتی غربی گفت که دلیل آرامش اخیر مقاومت نیروهای حکومتی نیست، بلکه دلیل آن این است که طالبان نیروهای تازه‌نفس را از ولسوالی‌های شمالی هلمند به نادر علی و دیگر ولسوالی‌های نزدیک به لشکرگاه انتقال می‌دهند و برای یک تهاجمی کلان‌تر آماده می‌شوند.

اندکی پس از شکستن سپیده‌دم، صدای جرنج و جرنج فلزی اصابت کلنگ بر زمین سخت در تمام این منطقه‌ی خشک منعکس می‌شود. مردی بیلش را در سنگ‌ریزه فرو می‌کند و آن را روی لبه‌ی یک سوراخ خالی می‌کند. آن‌ها عبدالحمید، همان پسر جوان، را یافته‌اند. یک هفته بعد از آن که عبدالحمید ناپدید شد، پدرش از پولیس تماسی تلفونی دریافت کرد. آن‌ها سرانجام به او گفتند چه اتفاقی افتاده است: این پسر ۱۵ ساله تصمیم گرفته بود در همان روزی که در شاهراه جنگ در گرفت، از گوشک به لشکرگاه برود. سوار بر موتورسایکل، جایی در امتداد جاده گلوله‌ی به او اصابت می‌کند و او به مرکز جراحی اضطراری [شفاخانه‌ی شهر لشکرگاه] برده می‌شود. یک هفته زمان برد تا مقام‌ها خانواده‌ی او را پیدا کنند. یک روز بعد، اقارب و همسایه‌ها قبر او را می‌کنند.

استبداد کشتن عبدالحمید نشانه‌ی از جنگی است که بیش از هر زمان دیگری غیرنظامیان بیشتری را می‌کشد و زخمی می‌سازد. ظاهراً هیچ‌کسی نمی‌داند که آیا گلوله‌ی که به او اصابت کرده است به خطا رفته بوده و به او اصابت کرده است یا چه‌کسی آن را شلیک کرده است. مردانی که قبر می‌کنند، در مورد آن نقاط ریز و ظریف بحث نمی‌کنند. همین که خورشید بالا می‌آید و حرارت بیشتر می‌شود، ریش مردان کهن‌سال‌تر سفید

کندز آمیزه‌ی از اقوام است و احساسات ضدولتی سال‌ها در آن جا تحریک شده است و نفوذ طالبان در این شهر را ممکن ساخته است. در لشکرگاه، اکثریت قریب به اتفاق پشتون هستند و اکثریت قبایلی که بخش بزرگ لشکرگاه را کنترل می‌کنند مخالف طالبان هستند. با این حال، امیری مخالف این گفته است که طالبان نمی‌توانند بر این شهر یورش ببرند. او می‌گوید: «تعجب می‌کنم که آن‌ها هنوز لشکرگاه را تصرف نکرده‌اند. این سربازان نیست که لشکرگاه را کنترل می‌کنند، جغرافیا است.»

شده و با گرد و خاک خشن‌تر می‌شود. پودری از گرد و خاک بر کلاه پر زرق‌وبرق مردان جوان می‌نشیند که برای کلنگ و بیل نوبت می‌گیرند. حبیب‌الله، یکی از بزرگان، می‌گوید: «نمی‌دانیم چه اتفاق خواهد افتاد. صرف دعا می‌کنیم که جنگ به لشکرگاه گسترش پیدا نکند. ما صرف محلی‌ها هستیم. زیاد نمی‌فهمیم.» حدود ساعت ۹ قبل از ظهر، جسد عبدالحمید که در یک کمپل پیچیده شده بود بر یک موتر کوچک باربری رسید. سپس روی زمین گذاشته شد تا مردم ادای احترام کنند. ملایی که عمامه پوشیده است، برای گروهی که به شکل دایره‌ی دور او جمع شده‌اند، با گریه می‌گوید: «این پسر بی‌گناه شهید شد.» «گاهی خدا ما را امتحان می‌کند. گاهی با این گونه وضعیت مواجه هستیم که کسی از خانواده‌ی ما کشته شده است. فرقی نمی‌کند که فقیر هستیم یا پولدار، ما باید در این امتحان کامیاب شویم.» پس از نماز، ملا می‌آید و به ما اشاره می‌کند که برویم. او می‌گوید که خانواده‌ی [عبدالحمید] بسیار احساساتی است، همه متوجه ما شده است و باوجودی که قبرکنان از ما استقبال کردند، یک جمعیت کلان ممکن خشم‌شان را بر یک زوج خارجی خالی کنند. ما از آن‌ها تشکر می‌کنیم و می‌رویم و عزاداران بی‌پره‌را تنها می‌گذاریم که غمگین باشند.

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

بستگی دارد...

وقتی در مورد استفاده‌ی چیزی صحبت می‌کنیم، باید مورد استفاده‌ی آن را در افغانستان، به‌صورت ویژه در نظر داشته باشیم. مبدا خدای نکرده موارد استفاده‌ی بسیار مهمش را از یاد ببریم. طبق معمول، هر چیزی در افغانستان موارد استفاده‌ی فراوانی دارد. به‌طور مثال، فرض می‌کنیم دیروز مسابقه‌ی فاینل لیگ افغانستان روشن بود. مسابقه‌ی فاینل میان دو تیم فاینلست در حالی برگزار می‌شود که بیش از هفت هزار نفر برای تماشای آن به ورزشگاه رفته بود که در این میان، شماری از مقامات ارشد مملکت نیز حاضر بودند. در همین حال تصور کنید یکی از خبرنگاران کشور می‌خواهد در این مورد گزارش دهد. احتمال این‌که بگوید «امروز هم‌وطنان غیور ما به صورت بسیار گسترده در ورزشگاه حاضر شدند تا چهره‌ی دیگری از افغانستان را به رخ جهانیان بکشند و جهانیان را روسپاه بکنند»، خیلی بالاست.

در میان میلیون‌ها چیز و مسأله، یکی هم اصطلاح «بستگی دارد...» است که کاربرد فراوانی دارد. برای این‌که بفهمیم اصطلاح «بستگی دارد...» چه‌قدر کاربرد وسیع دارد، به ناچار باید مثال‌های فراوانی را به داخل مغز خویش قاجاق کنیم. چند مثال در چند عرصه خدمت‌تان گسیل می‌شود.

۱- فرض کنید که خدای ناخواسته شما مریض شده‌اید. اولین کاری که باید بکنید، مراجعه به داکتر است تا معاینه شوید و مریضی شما تشخیص شود. تداوی شما کار سختی نیست، اما بستگی دارد...! بستگی دارد که به کدام شفاخانه بروید. البته پیش از این‌که بخواهید شفاخانه را مشخص کنید، بستگی دارد که چه‌قدر پول دارید. و به همین راحتی، تداوی شما اول بستگی دارد به مقدار پول شما بعدش به داکتری که شما را معاینه می‌کند.

۲- فرض کنید که مثلاً وزارت امور مالیه چندین بست را به اعلان می‌گذارد و شما برای یکی از این بست‌ها واجد شرایط هستید. می‌روید فرم درخواستی را پر می‌کنید. بعدش فرض کنید که شما «شارت‌لیست» هم می‌شوید و می‌روید که مصاحبه یا امتحان اختصاصی بدهید. می‌بینید که چند نفر دیگر هم شارت‌لیست شده. حالا فکر می‌کنید شما کامیاب خواهید شد؟ بستگی دارد...! اگر کشور دیگری بود، بستگی داشت که شما چه‌قدر لیاقت دارید. اما چون افغانستان است، بستگی دارد که چه کسی از شما برای تقرر شایسته‌ی تان در آن بست، حمایت می‌کند. ببخشید اگر مشکلی نیست این قسمت را فرض نکنید، همین‌گونه است و نیازی به فرض کردن نیست.

۳- یکی از کارهای دیگر که کاربرد «بستگی دارد...» را می‌تواند واضح کند این است که شما از خود بپرسید که چه‌قدر آدم مهمی هستید. بعد می‌گویید بستگی دارد. مثلاً اگر شما آدم پولداری باشید، اهمیت‌تان برای عام و خاص مشخص است. همه به نحوی شما را احترام ویژه خواهند کرد. یا اگر پولدار نباشید، یک رقم دیگر اهمیت دارید. اما اگر پولدار نباشید، حتا اگر اینشتین ثانی هم باشید، چندان قوماندان نیستید!

۴- حالا با در نظر داشت این همه وابستگی‌ها، نماینده‌ی خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان اعلام کرده که کمک ۳ میلیارد دلاری امریکا به موفقیت دولت افغانستان در اصلاحات و مخصوصاً به مبارزه با فساد اداری بستگی دارد. به این معنا که امریکا هم از فساد در افغانستان به ستوه آمده. حالا که کمک بستگی به اصلاحات دارد، اصلاحات به چه چیزهایی بستگی دارد؟

از نظر رییس‌جمهور اشرف غنی، اصلاحات بستگی به این دارد که کسی با تصمیم وی مخالفت نکند. از نظر رییس اجرائیه، اصلاحات بستگی به تقسیم عادلانه‌ی امتیاز و قدرت میان ریاست‌جمهوری و ریاست اجرائیه دارد. از نظر سیاف، اصلاحات بستگی به حضور مجاهدین در حکومت دارد. از نظر رهبران قومی، اصلاحات بستگی به حضور دوستان و نزدیکان آن‌ها در قدرت دارد. از نظر کززی اصلاحات بستگی به توقف حملات هوایی بالای طالبان دارد. از نظر حکمتیار اصلاحات بستگی به خروج کامل نیروهای خارجی دارد. از دید انورالحق احدی، اصلاحات به رییس‌جمهور شدن وی بستگی دارد. از نظر مردم، ببخشید! به مردم کاری نداشته باشید، بگذارید یک لقمه نان پیدا کنند!

امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار



الیاس نواندیش

موافقت‌نامه‌ی صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار سرانجام پس از دو سال مذاکره پیش از ظهر روز پنج‌شنبه، ۸ میزان، میان رییس‌جمهور غنی و گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، به امضا رسید.

گلبدین حکمتیار شخصاً در مراسم امضای این موافقت‌نامه حضور نداشت اما از طریق ویدیوکنفرانس این موافقت‌نامه را امضا کرده و پیام ویدیویی او در مراسم پخش شد. رییس‌جمهور غنی در مراسم امضای این موافقت‌نامه که با حضور رهبران حکومت وحدت ملی، رییس‌جمهور پیشین، اعضای شورای ملی، رهبران جهادی و سیاسی و نمایندگان کشورهای خارجی در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شده بود، گفت صلح بدون قیمت به دست نمی‌آید و تلاش برای رسیدن به مقصد صلح آسان نبود. او گفت همزمان با امضای این سند مفاد آن اجرایی شده و زمینه‌ی حضور آقای حکمتیار در کابل طی هفته‌های آینده فراهم خواهد شد.

آقای غنی گفت: «وظیفه‌ی نسل مشترک من و حکمتیار این است که جنگ متوقف گردد، افغان‌ها را از احتیاج بیگانگان بیرون سازیم و به پایش ایستاده نماییم.» او گفت شعله‌های جنگ را نسل کوچک و کنونی روشن نکرده بلکه چند دهه قبل آغاز گردید و خاموش نمودن این آتش بیشتر وظیفه‌ی نسل بزرگ‌تر است. به گفته‌ی وی: «مدت ۳۸ سال می‌شود که خون ملت افغانستان می‌ریزد، این به معنای آن است که افغان‌ها نسبت به هر کسی دیگر بیشتر به قدر و اهمیت صلح می‌دانند.»

گلبدین حکمتیار نیز در پیام ویدیویی‌اش گفت پس از دو سال مذاکرات مسلسل و سخت میان طرفین، بر یک موافقت‌نامه‌ی مهم توافق شده است و یکی از خصوصیات روشن مذاکرات این بود که بدون وساطت بیگانگان، توسط افغان‌ها، انجام شد.

آقای حکمتیار گفت با تطبیق این موافقت‌نامه بحران جاری در کشور به پایان می‌رسد و هر دو جانب تعهد نموده‌اند که تمام مواد توافق‌نامه را کاملاً احترام می‌کنند. او گفت هدف اصلی توافق‌نامه این است که جنگ و عوامل آن به‌طور کامل و برای همیشه از بین برود. حکمتیار افزود: «رسیدن به اهداف مقدس از طریق جنگ امکان پذیر نیست، همین‌طور رسیدن به صلح عادلانه نیازمند همت بلند، جرات، هوشیاری و اتحاد جنگ‌جویان است، صلح اگر نسبت به جنگ کاری دشوار نیست، کار آسانی هم نیست.»

موافقت‌نامه‌ی با محوریت قانون اساسی

در مراسم امضای این موافقت‌نامه، رییس‌جمهور غنی گفت یکی از ویژگی‌های مهم توافق با حزب اسلامی

این بود که قانون اساسی افغانستان در آن حیثیت محور را داشت و در این موافقت‌نامه هیچ نکته‌ی وجود ندارد که در تضاد با قانون اساسی کشور باشد. آقای غنی گفت صلحی که حزب اسلامی با دولت به انجام رساند، هر دو طرف نشان دادند که در اراده خود برای فرو نشاندن آتش جنگ در کشور صادق هستند. او گفت: «ما هر دو طرف به ارزش‌های اسلامی باور داریم و می‌خواهیم که این ارزش‌ها از راه فعالیت‌های صلح آمیز سیاسی و مدنی تحقق پیدا کند. این همان جهاد اکبری است که امروز جامعه‌ی ما به آن ضرورت اشد دارد.»

داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجراییه‌ی حکومت وحدت نیز در این مراسم صحبت نموده گفت هیچ چیزی در این موافقت‌نامه نیست که حق یک فرد یا شهروند کشور در آن زیر پا شده باشد بلکه گامی است که ما را برای رسیدن به صلح دائمی کمک می‌کند.

دعوت از طالبان برای پیوستن به صلح

رییس‌جمهور غنی و گلبدین حکمتیار از طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت خواستند تا از جنگ دست بکشند.

آقای غنی در مراسم امضای موافقت‌نامه‌ی صلح گفت: «اکنون فرصتی است برای طالبان و دیگر گروه‌های مخالف دولت تا بر سر دو راهی موجود در برابرشان نشان بدهند که انتخاب‌شان چیست، بودن در کنار ملت و پیوستن به کاروان صلح عزتمندان، به مانند حزب اسلامی، و سهم گرفتن در ساختن کشور و کمک به رفاه و پیشرفت آن، یا قرار گرفتن در برابر ملت و ادامه دادن به خونریزی و جنگی که سودش تماماً به جیب بیگانگان می‌رود؟»

آقای حکمتیار نیز در پیامش از گروه‌های درگیر جنگ در افغانستان خواست دست از جنگ بردارند و گفت وگویی بین‌الافغانی را آغاز کنند. او گفت دست‌به‌دست شدن ولسوالی‌ها و قریه‌ها منطقی و جایز نیست و در نتیجه‌ی آن تنها افغان‌ها قربانی می‌شوند.

او در بخشی از سخنانش گفت: «از تمام مخالفین دولت می‌خواهم که با این پروسه یکجا شوند و اهداف خود را



از طریق مسالمت‌آمیز تعقیب نمایند.»

علاوه بر این او از حکومت افغانستان خواست شماری از زندانیان طالب را بدون قیدوشرط رها سازد چون آنان از صلح هراس دارند و به همین دلیل بر جنگ پافشاری می‌کنند. رهبر حزب اسلامی گفت افغان‌ها پس از این از جنگ‌افروزان پیروی نخواهند کرد. او گفت: «افغان‌ها پیش از این با شعارهای خالی جنگ طلبان دروغ‌گو و نیرنگ‌باز، فریب نمی‌خورند. آن‌ها دوستان هیچ قوم و قبیله‌ی نیستند. آن‌ها نوکر بیگانگان و دوستان شیطان هستند.»

از پاکستان صلح نمی‌خواهیم

در مراسم امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان دولت و حزب اسلامی، آقای غنی گفت اکنون برای همه‌ی مردم و برای همه‌ی دنیا به‌خوبی واضح شده است که چه کسی در پی صلح است و چه کسی در پی جنگ و در صورت تداوم جنگ، ما بیشتر از گذشته چهره‌ی آنان و حامیان‌شان را به مردم و دنیا واضح خواهیم ساخت.

رییس‌جمهور غنی گفت: «ما خواهان جنگ نبودیم و اکنون هم اصراری بر تداوم جنگ نداریم. رسالت نیروهای دفاعی و امنیتی ما حمایت و دفاع برحق از مردم ما در مقابل جنگ ظالمانه‌ی است که بر آنان تحمیل شده است.»

او گفت این موافقت‌نامه ثابت ساخت در صورتی که کسی ما را بماند، ما می‌توانیم در وطن خویش با صلح و امنیت زندگی کنیم. به گفته‌ی وی: «من از همان آغاز گفته بودم که ما از پاکستان صلح نمی‌خواهیم، بلکه با پاکستان صلح می‌خواهیم.»

آقای غنی همچنان در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «ما بر خلاف کسانی در منطقه که تروریسم را ابزار استراتژیک خود می‌دانند، اراده‌ی قاطع داریم که رویکرد سازندگی‌محور، صلح‌محور و انکشاف‌محور را مثل گذشته ادامه بدهیم، چنان‌که تا کنون نیز گام‌های مهمی در این راستا برداشته‌ایم.»

تصفیه‌ی ادارات دولتی از مفسدین و دزدان

گلبدین حکمتیار در بخشی از پیامش گفت در حکومت

باید طوری تبدیلی‌ها رونما گردد که قابل قبول بوده و حکومت ممثل تمام ملت و در خدمت تمام افغان‌ها باشد. او گفت: «ادارات دولتی از مفسدین و دزدان تصفیه گردد و اقتدار در اختیار مدیران صلح گذاشته شود.»

رهبر حزب اسلامی گفت افغانستان را خانه‌ی مشترک تمام اقوام باهم برادر بدانیم و مداخلات بیگانه را جلوگیری کنیم. او گفت: «یک افغانستان سربلند بسازیم که هیچ قدرتی جسارت دیدن آن‌را با چشم حقارت نکند، با دیگران سیال باشد و دست احتیاج برای هیچ‌کسی دراز ننماید.»

استقبال پاکستان از امضای موافقت‌نامه‌ی صلح دولت افغانستان با حزب اسلامی

پس از امضای موافقت‌نامه میان دولت و حزب اسلامی، وزارت خارجه‌ی پاکستان با نشر خبرنامه‌ی از این رویداد استقبال کرده و گفته است که پاکستان همواره تأکید کرده که هیچ راه‌حل نظامی برای ختم درگیری‌های افغانستان وجود ندارد.

رسانه‌ها به نقل از خبرنامه‌ی وزارت خارجه‌ی پاکستان نوشته‌اند مذاکراتی که توسط خود افغان‌ها انجام و صلحی که توسط خود افغان‌ها رهبری شود، از راه‌های موثر برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان است. خبرنامه گفته است که پاکستان امیدوار است که این روند باعث توافق‌های میان دولت افغانستان و دیگر گروه‌های شورشی مخالف شود و باعث ایجاد صلح پایدار در افغانستان شود.

«با قربانی کردن عدالت صلح به دست نخواهد آمد»

همزمان با امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان رییس‌جمهور غنی و گلبدین حکمتیار، شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این رویداد، نمایه‌های فیسبوک‌شان را سیاه کردند؛ رنگی که نشانی از به سوگ‌نشستن و عزاداری در کشور است.

این گروه که زیر نام «جنش دادخواهی برای قربانیان جنگ» صفحه‌ی را نیز در فیسبوک ساخته‌اند، باور دارند که صلح با حزب اسلامی حکمتیار به معنای بی‌حرمتی و توهین به هزاران تن از شهروندان افغانستان است که در جنگ‌های حزب اسلامی با رقبای جهادی‌اش کشته، معلول و معیوب شده‌اند.

گلبدین حکمتیار متهم به کشتار غیرنظامیان در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی است. پیش از این دیدبان حقوق بشر افغانستان هم گفته بود که آقای حکمتیار مسئولیت برخی از فاحش‌ترین فجایع جنگ از جمله موشک‌پراکنی ماه اگست سال ۱۹۹۲ میلادی را به‌دوش داشته است؛ حمله‌ی که براساس گزارش کمیته‌ی جهانی صلیب‌سرخ در آن حداقل ۱۰۰۰ تن کشته و ۸۰۰۰ تن دیگر زخمی شدند.

اخیراً کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز از گلبدین حکمتیار خواست شهادت به خراج داده و از مردم افغانستان معذرت‌خواهی کند.

سیما سمر، رییس این کمیسیون در کنفرانس خبری پس از امضای موافقت‌نامه میان نمایندگان دولت و حزب اسلامی گفت معذرت‌خواهی و اذعان به دردهای مردم می‌تواند یکی از زمینه‌های تأمین صلح دائمی در کشور باشد.

موافقت‌نامه‌ی صلح میان دولت و حزب اسلامی دارای سه فصل و ۲۵ ماده است که براساس آن بیرون شدن نام گلبدین حکمتیار و اسامی برخی سران این حزب از لیست سیاه سازمان ملل، مصونیت قضایی برای رهبران و سران حزب اسلامی، رهایی زندانیان این حزب، دادن نقش سیاسی به حزب اسلامی در چوکات قانون و فراهم کردن زمینه برای اشتراک در انتخابات از مهم‌ترین تعهدات دولت افغانستان است. در سوی دیگر، حزب اسلامی متعهد شده است که گروه‌های نظامی خود را منحل ساخته و با گروه‌های تروریستی و سازمان‌های مسلح غیرقانونی هیچ‌گونه رابطه‌ی برقرار نکند.

پرسش این‌جاست که این رسانه‌ی حرفه‌ی چرا چنین کرد؟

به این پرسش، پاسخی جز این نمی‌توان یافت که شاید بی‌بی‌سی به سبب ناخرسندی شماری از قدرت‌های غربی از پیشروی نیروهای سوریه در حلب، خواست با نشر ویدیوی دلخراش از جنگ، احساس نفرت بیننده نسبت به نیروهای سوریه و روسیه را به شدیدترین نحو ممکن برانگیزد، که البته در این‌جا نمی‌خواهم هدف رسانه را زیر سوال ببرم، می‌خواهم بگویم ابزار رسیدن به هدف «بسیار بد» انتخاب شده بود. شاید همان‌قدر که عمل نیروهای سوریه یا روسیه در عرف حقوق بشری شنیع باشد، نشر چنین تصویرهایی از صحنه‌های جنگ، نیز در عرف خبرنگاری شنیع می‌باشد. نشر این تصویرها نشان داد که گاهی بی‌بی‌سی مخاطبان خود را دست‌کم می‌گیرد و برای رسیدن به هدف، به هر روش غیر معیاری دست می‌زند. این یادآوری را از آن‌سبب ضرور دانستم که غول‌های رسانه‌ی وقتی به نقض آشکار اخلاق رسانه‌ی دست می‌زنند، در واقع سرایت‌دهنده‌ی آن به رسانه‌های کمتر حرفه‌ی می‌شوند که همین غول‌های رسانه‌ی را الگوی خود می‌دانند و گمان می‌کنند که هر چه از این رسانه‌ها سرزند قابل تقلید است.

بی‌بی‌سی بدانند که بعضی‌ها می‌دانند

نویسنده: ضیاء رفعت - استاد دانشگاه

با این‌همه نمی‌توانم این نکته را آشکار نکنم که بی‌بی‌سی گاهی پوشیده چنان با مهارت جانبداری می‌کند که جز معدودی رسانه‌شناس نمی‌توانند سر از سرش دربیآورند؛ اما موردی هم دیده شده است که این رسانه نتوانسته است در این کار کامیاب عمل کند؛ از جمله در نشر خبرها، گزارش‌ها و تحلیل‌هایش در پیوند با رویدادهای سوریه. به‌طور مثال تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی سه شنبه شب همین هفته (۶میزان) در نشر گزارش خبری از حمله‌ی نیروهای دولت سوریه در منطقه‌ی زیر کنترل مخالفان نظامی آن کشور در حلب، تصویرهایی از کشته‌ها و مجروحان - آن‌هم با سر و تن خونبار - نشر کرد که با معیارها و اخلاق خبرنگاری در تضاد آشکار قرار داشت.

بیش از سی و پنج سال است که شنونده‌ی پیوسته‌ی بی‌بی‌سی فارسی‌ام. وقتی تلویزیون فارسی این رسانه نیز به نشرات آغاز کرد از همان شب نخست آغاز نشراتش تا امروز به ندرت پیش آمده که کم‌از‌کم از کنار بخش خبری آن نادیده رد شده باشم. این رسانه همیشه برایم جاذبه داشته است. بعضی از برنامه‌های تلویزیونی آن را چند سالی است که در دانشکده‌ی خبرنگاری دانشگاه کابل برای دانشجویان، به‌عنوان الگوهای برتر در صنف نشر می‌کنم. در همین تازگی‌ها سه برنامه از سلسله‌برنامه‌های: «به‌عبارت دیگر»، «صفحه‌ی ۲» و «پرگار» را به دانشجویان نشر کردم تا هر چه بیشتر با جنبه‌های حرفه‌ی این رشته آشنا شوند.

چهلکده

سخنیدادهاتف

بازی سازان

امسال من و پسر من نشستیم و «گیم» بازی می‌کردیم. در آغاز، شکایت و اعتراضی نبود. هر کدام از ما حق داشتیم دو بار بازی کنیم و بعد نوبت را به دیگری بدهیم. وقتی که پیش‌تر رفتیم و بازی به مراحل پیچیده‌تر رسید، پسر من (که غالباً بهتر از من بازی می‌کرد) شکای می‌کرد. نه از این‌که چرا گیم پیچیده شده. بل از این‌رو که می‌گفت چرا این گیم را طوری ساخته‌اند که اگر نخواهی به بازی ادامه بدهی، پیشرفت کار آدم تا فلان نقطه‌ی معین را حفظ نمی‌کند تا وقتی آدم برگشت از همان نقطه‌ی پیش شروع کند که ترک کرده بود. این مشکل زمانی پیش می‌آمد که مثلاً وقت نان چاشت بود و او توانسته بود ۳۰ درصد از فلان مرحله‌ی گیم را طی کند. برای طی کردن بقیه‌ی راه مجبور می‌شد که نان چاشت را با دیگران نخورد! من مخالف این وضعیت بودم و می‌گفتم که وقتی که باید غذا بخورد یا بخوابد، باید بازی نکند. او دوست داشت گیم طوری ساخته می‌شد که وقتی او شب می‌خوابید و صبح دوباره به گیم خود برمی‌گشت، مجبور نمی‌شد که دوباره از اول شروع کند. می‌خواست از ادامه‌ی همان ۳۰ درصد تکمیل شده آغاز کند.

به نظر، شکایت پسر خردسال من موجه بود. اما اصل مسأله این بود که «گیم» را ما نساخته بودیم. دیگران آن را ساخته بودند و در برابر مقداری پول آن را در اختیار ما گذاشته بودند. ما باید گیم‌بازی نمی‌کردیم، یا اگر بازی می‌کردیم ناگزیر بودیم در درون قواعد و ضوابطی بازی کنیم که گیم‌سازان طرح کرده بودند.

آن روزها، هر بار که پسر من اعتراض می‌کرد، من به فکر عالم سیاست افغانی می‌افتم و بازیگران‌اش. امروز هم که اعتراض‌های فیس‌بوکی و غیرفیس‌بوکی به آمدن گلبدین حکمتیار به کابل را می‌دیدم، به همان «گیم»ی فکر می‌کردم که سازنده و طراح‌اش من و پسر شش‌ساله‌ام نبودیم. بسیاری از ما معترضان روشنفکر (که نمی‌خواهیم حکمتیار و امثال او وارد بازی سیاست ملک ما شوند)، برای مشارکت در ساختن بازی و قواعدش عملاً زحمت چندانی نمی‌کشیم. به همین خاطر، همواره ناگزیر می‌شویم در چارچوب بازی دیگران بازی کنیم و البته پیوسته شاکی هم باشیم. شاید این‌که می‌چرخیم و می‌چرخیم و آخر سر باز سروکارمان با گلبدین حکمتیار می‌افتد، چیزی درباره‌ی سرگردانی‌ها و بی‌فکری‌ها و بی‌عملی‌های ما هم می‌گوید.

به جرأت می‌توانم دایکندی را بانام «سرزمین گل‌بادام» معرفی کنم. غرس و تجارت بادام در دایکندی، یکی از مسایل مهم مردم تلقی می‌شود. بادام، گوهری است که بدون آن زندگی اهالی این‌جا با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.

بادام، سرمایه‌ی خفته‌ی مردمان این‌جا است. اکثر اهالی دایکندی با بادام سروکار دارند و بیشترین تولید بادام دایکندی، بادام سنگگی است.

بادامی که یک سیر (۷کیلو) آن حدود ۹۰۰ افغانی قیمت دارد. البته انواع زیادی از بادام در دایکندی تولید و بهره‌برداری می‌شود. مثلاً بادام نوع ستاربابی کفمل، بادامی است که سیرانه ۶۰۰۰ هزار افغانی به فروش می‌رسد و در همین جغرافیا تولید می‌شود. علاوه بر این‌ها دایکندی، کشته، قروت، عسل و میوه‌های تر و خشک دیگر را هم صادر می‌کند، اما بدون شک نقش هیچ‌یک از آن‌ها حیاتی‌تر از بادام نیست.

دارند. این آمار نشان می‌دهد که خانم‌ها در ادارات دولتی نیز سهم قابل توجهی دارند.

بادام
به جرأت می‌توانم دایکندی را با نام «سرزمین گل‌بادام» معرفی کنم. غرس و تجارت بادام در دایکندی، یکی از مسایل مهم مردم تلقی می‌شود. بادام، گوهری است که بدون آن زندگی اهالی این‌جا با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود. بادام، سرمایه‌ی خفته‌ی مردمان این‌جا است. اکثر اهالی دایکندی با بادام سروکار دارند و بیشترین تولید بادام دایکندی، بادام سنگگی است. بادامی که یک سیر (۷کیلو) آن حدود ۹۰۰ افغانی قیمت دارد. البته انواع زیادی از بادام در دایکندی تولید و بهره‌برداری می‌شود. مثلاً بادام نوع ستاربابی کفمل، بادامی است که سیرانه ۶۰۰۰ هزار افغانی به فروش می‌رسد و در همین جغرافیا تولید می‌شود. علاوه بر این‌ها دایکندی، کشته، قروت، عسل و میوه‌های تر و خشک دیگر را هم صادر می‌کند، اما بدون شک نقش هیچ‌یک از آن‌ها حیاتی‌تر از بادام نیست.

معارف
معارف، بزرگترین بخش کار در دایکندی است. بیشتر اهالی دایکندی، یا معلم‌اند یا متعلم. بیشتر از ۱۶۰ هزار نفر در دایکندی مشغول تحصیل‌اند که آمار قابل توجهی از آن را دختران تشکیل می‌دهند. ۳۷۷ باب مکتب در این ولایت فعال هستند و حدود ۳۰۰۰ نفر معلم در این ولایت مصروف تدریس‌اند که باز هم حدود نیمی از آن را خانم‌ها تشکیل می‌دهد.

به ریاست معارف می‌روم. مراجعین این ریاست هم کم از مراجعین در ریاست پاسپورت کابل نیستند. کارمندان این ریاست هم به‌تنهایی چند برابر کارمندان تمامی ادارات دولتی در دایکندی هستند. خلاصه‌شور فراگرفتن دانش در چهره‌ی تمامی مرد و زن این‌جا پیداست.

با این‌همه دانشگاه دولتی در دایکندی وجود ندارد. به‌جز یک تربیه‌ی معلم که هنوز هم ساختمان ندارد. تنها دانشگاهی که در دایکندی فعال است، دانشگاه خصوصی ناصر خسرو است که در سه ولسوالی دیگر هم نمایندگی دارد و تعداد زیادی از دانشجویان در آن مشغول تحصیل‌اند.

بعد از این دوباره به سمت ولسوالی‌های شارسن و میرامور رفتم. ولسوالی‌هایی که جمعیت زیادی دارند و از حق هم که نگذریم جمعیت تحصیل‌کرده‌ی بیشتری. و چند روز دیگر هم دوباره به نیلی و اطراف آن رفتم و دوباره کابل و دوباره شلوغی و گیرودار.

نیلی آسمان بادام‌ها

(سفر به دایکندی)

کجی مرتضی برلاس

بگیرد. کم‌کم به سنگ‌های عجیبی برمی‌خوریم که اشکال جالبی دارند. شکل‌هایی که نمی‌توان روی آن نام گذاشت. نه دایره‌اند، نه مربع و... فقط منحنی‌های سختی هستند که گویی سر از خاک بیرون کردند و درجا خشک‌شان زده است. این‌جا سرزمین سنگ‌هاست. نیلی، مرکز ولایت دایکندی در قلب افغانستان. جایی که رسیدن به آن نیازمند دو روز راه رفتن دارد.

وارد نیلی شده‌ام. یک قسمت بازار و یک قسمت شهرک. قسمت بالای نیلی که بیشتر ادارات دولتی از جمله ساختمان ولایت در آن موقعیت دارند، مشهور به شهرک است. قسمتی که تقریباً هموار است و خانه‌سازی‌های زیادی در آن به چشم می‌خورد. قسمت پایینی اما همان بازار قدیمی نیلی است که حالا چند رشته (راسته) دارد. در کل منطقه‌ی پهن و احاطه شده با کوه‌های بلند.

در شهرک، میدانی است به نام «میدان گل‌بادام» این میدان تقریباً نماد دایکندی شده است.

حال به اتاق دوستان رسیدیم. همانی که سراسر پرده دارد و دوستانی در آن زندگی می‌کنند، بهتر از آب روان، می‌نویسم... از شمال نیلی جاده‌یی به ولسوالی‌های سنگ‌نخت و اشترلی می‌رود. از جنوبش جاده‌یی به شارسن و میرامور و جاده‌یی به سوی کیتی. جاده‌های کوچکی هم هستند که فرقه‌های اطراف نیلی را به مرکز وصل می‌کنند. گویی شریان‌ها و رگ‌های زیادی به قلب دایکندی می‌رسند و این قلب می‌تپد، اما این رگ‌ها خاک گرفته‌اند. میان بازار نیلی و شهرک، سرک کوتاهی وجود دارد که چند سال پیش قبر شده بود. این سرک حالا اما، آن‌قدر تکه‌تکه است که وقتی از آن گذر کنی، جاده‌های خامه را فراموش می‌کنی. گویا ملل متحد هزینه‌ی ساخت این سرک را داده بوده و سال‌ها پیش این جاده از سوی شهرداری نیلی به دست ساخت سپرده شده، اما پس از چندی تکه‌تکه شده است.

زنان و دختران

کوتاه‌نشته‌یی در فیس‌بوک گذاشته بودم با عنوان «زنان و دختران نیلی». آن نوشته از این قرار بود: «در این چند روز چیزهای جالبی در این‌جا می‌بینم. چیزهایی که در ولایت‌های دیگر و حتا در کابل هم دیده نمی‌شود. زنان بسیاری در نیلی رانندگی می‌کنند؛ بدون هیچ دغدغه‌یی. جسورانه فرمان را در پیچ‌وتاب منحنی سرک‌های این شهر می‌چرخانند و به مقصد می‌رسند.

فاصله‌ی اندکی میان مرکز ولایت و بازار نیلی وجود دارد. در این فاصله مردان موتورسایکل سوار، مسافر می‌برند. چند بار دیدم که زنان و دختران نیلی بدون هیچ پروایی با این موتورسایکل‌ها رفت‌وآمد می‌کنند.

دختران زیادی در دانشگاه ناصر خسرو و مرکز تربیه‌ی معلم دایکندی درس می‌خوانند. آن‌ها به‌دلیل دوری راه، مجبورند در نیلی زندگی کنند. همین‌جا اتاق دارند و همیشه پس از چند ماه به خانه که در ولسوالی‌های دوردست است می‌روند. پولیس زن نیز زیاد به چشم می‌خورد. امری که بر غرور آدمی می‌افزاید. امیدوارم این روند ادامه داشته باشد. باز هم می‌نویسم...»

علاوه بر تمام این‌ها، به نظر می‌رسد اوضاع بانوان سرزمین گل‌بادام، بهتر از دیگر نقاط است. زن‌ها با آزادی و با راحتی بیشتری زندگی می‌کنند. در پای نیلی، شهرکی به‌نام «شهرک لیلا» وجود دارد. وقتی نام این منطقه را شنیدم برایم جالب بود و به پای نیلی رفتم. گویا شخصی به‌نام لیلا، صاحب آن زمین‌ها بوده است و بعد از فروش این زمین‌ها و ساخته شدن آن‌ها توسط مردم، این شهرک به‌نام شهرک لیلا شهره شده است. این امر و دیگر چشم‌دیدهای من در این ولایت نشان می‌داد که مردم آن‌جا به‌دور از تعصبات مذهبی، از نام گرفتن خانم‌ها هراسی ندارند و خانم‌ها نیز از بردن نام خود شرم نمی‌کنند. همگی به نام همدیگر را می‌شناسند و صدا می‌زنند.

حدود چهار هزار کارمند ادارات دولتی در دایکندی مردها هستند و خانم‌ها نیز در این ولایت بیشتر از ۱۵۰۰ کارمند

از راه رسیده‌ام. اکنون در اتاقی که سراسر با پرده پوشیده شده‌است، پای خود را دراز کردم و می‌نویسم. چند صد کیلومتر راه، از کابل تا نیلی آمده‌ام. کم‌خوابی و خستگی تمام وجودم را گرفته و احتمالاً به‌زودی به‌خاطر تبدیل هوا و خوراک مریض شوم.

سفر از راه بامیان کار دشواری‌ست. از آن‌جا که امنیت راه، به پل صراط می‌ماند و رسیدن و نرسیدنات مشخص نیست. راه دور است و خطرهای ناشی از تصادم و سقوط هم بسیار. با این‌حال به بامیان رسیدم. به سرزمین بودا. به سرزمینی که در حال حاضر کچالوهایش را از زیر خاک بیرون می‌کشد. و دشت‌ها و کوهپایه‌ها پُر است از بوجی‌های سفیدی که مملو از کچالوست. قدم به مرحله‌ی بعدی سفر می‌مانم. راهی طولانی را تا نیک (مرکز یکاولنگ) در پیش داریم. می‌رویم و به لطف برداران کافر ما از کشور دوست، کوریای جنوبی، این جاده آسفالت است و تکان‌خوردن‌های ما هم کم.

نیک، سرزمین سوخته‌یی که میزان زیادی از غم‌هایش را با بیرق‌هایی که بر سر گور دسته‌جمعی قربانیان فجایع طالبان افراشته است، نشان می‌دهد. سرزمینی که بادهایش هم گونه‌هایت را به سختی لمس می‌کنند و قیل‌وقال و صدای آتش‌سوزی‌ها در گوش‌هایت نجواگر درد بزرگی می‌شوند. ماندن در این بازار دل می‌خواهد. دلی کلان به وسعت یک قتل‌عام. ما گذر کردیم.

کوتل دیوالی و کوتل شاتو در راه ماست. کوتل‌های بس بزرگ، با مناظری دیدنی. به سمت ولسوالی پنجاب می‌رویم. سرزمینی محروم که مردمانی سخت‌کوش دارد. از پنجاب که گذشتیم، ورس در راه ماست. مرکز ورس، زمانی مرکز یکی از قدرت‌های هزارستان بود. جایی که در بیشتر حکومت‌های شاه‌یی هم مورد توجه بوده‌است و به‌عنوان یکی از مراکز مهم تلقی می‌شده است. در مرکز ورس، شفاخانه‌یی است که بسیاری از مریض‌ها از راه‌های دور به آن‌جا منتقل می‌شوند. آبشاری که حالا خشکیده، در مرکز ورس وجود دارد. آبشاری که به‌نظر می‌آید حدود ۳۰ متر قد داشته باشد. می‌گویند در زمان ظاهرشاه، کسانی را که محکوم به اعدام می‌شدند، با دست و پای بسته، از فراز آن آبشار به پایین می‌انداختند.

به کوتل قونان رسیدیم. کوتلی مشهور. شهرت‌اش را هم به‌خاطر آمارهای مرگ مسافین کسب کرده. سرد و پیچ‌وخم کان‌هایش آدم را می‌ترساند. بلند است و سخت‌گذر. مرز میان بامیان و دایکندی، جاده از طرف بامیان تا حدی بهتر شده و در سطح درجه دو تا سه کوتل کار شده است. اما همین که وارد محدوده‌ی دایکندی می‌شوی موجی از وحشت و ترس بدنت را فرا می‌گیرد. آهسته‌آهسته وارد سرزمین گل‌بادام می‌شوی. قریه‌ی پای بوم، بعداً کته سبو (سبب)، گرگی، غرغره، سیاه دره، بازار جوز و همین‌طور بیشتر و بیشتر. از این‌جا به‌بعد، محدوده‌یی که بیشتر از ۱۷ هزار کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد، دایکندی نام دارد و بیش از شش‌صد و سی هزار نفر در این محدوده زندگی می‌کنند.

نان شب را در منطقه‌یی در ولسوالی ورس خوردیم و آمدیم. شب در راه بودیم و ساعت پنج صبح به بازار چیراسک ولسوالی «شارسن» رسیدیم. بازاری که بزرگ است و شهرت‌اش ولسوالی‌های شارسن و میرامور را فراگرفته است. از کابل، موتور مستقیم پیدا نکرده بودم. مقصد این موتور تا همین‌جا بود. ساعتی را خوابیدم و دوباره با موتور دیگری راه به سوی نیلی بردم. پیش از این از القان پیشتر ترفته بودم. جذابیت خاصی داشت، دیدن سرزمینی که هنوز ندیده‌ام.

راه آمدیم. از بازار القان که رد شدیم به منطقه‌یی رسیدیم که «سیاه‌بغل» نام داشت. سرک از بلندای کوه می‌گذشت و دره‌هایی عمیق را نشان‌مان می‌داد. می‌گفتند در سیاه‌بغل، حادثه‌های وحشتناکی رخ داده است. حداقل در سال، چندین‌بار وسایط نقلیه به دره سقوط می‌کنند و جان بسیاری را می‌گیرند.

دریای لیزیر، در آخرین قسمت شارسن موقعیت دارد. جایی که ولسوالی شارسن و مرکز از هم جدا می‌شوند. آب زیادی در این دریاست و مثل سایر رودبارهای دایکندی از این ولایت خارج می‌شود، بدون این‌که حتی ذره‌یی استفاده از آن صورت

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: جواد ناجی
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه‌آرا: هادی دریایی
- ❖ بازاریاب: محمد حسین جوفا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته‌سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح‌الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- ❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
شش ماهه	۳۰۰۰ افغانی
یک ساله	۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین	
شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی
یک ساله	۴۰۰۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



Abdula Watandar

فرشته‌ی که نبود و نیست

من از حمایت علنی کرزی از طالبان می‌گویم، کسی می‌آید و از جنایات مجاهدین می‌گوید. دوست دیگری حتا از بزرگواری‌های کرزی در حق جمعیتی‌ها حرف می‌زند. گویا می‌خواهند بگویند که کرزی دستی در جهاد و جنگ و ویرانی نداشته است. به این چند مورد توجه کنید:

- آقای کرزی در دوران جهاد، عضویت یکی از احزاب جهادی (جبهه‌ی نجات ملی) را داشت که در پشاور تشکیل شد و با دولت وقت می‌جنگید. این حزب در درگیری‌های درونی مجاهدین و به لحاظ ایدئولوژی (در کنار محاذ ملی اسلامی) با حرکت انقلاب مولوی محمد نبی که بعداً طالبان از درونش بیرون شدند، نزدیک بود.

- برای مدتی در دوران جنگ‌های داخلی در کابل، آقای کرزی، کارمند رسمی دولت آقای ربانی بود و یک پست نسبتاً مهم را در دست داشت.

- بعداً، ایشان برای مدتی عضویت طالبان را داشتند و با افکار، اعمال و ایدئولوژی طالبان، مخالفی نداشتند، تا این‌که طالبان، پست مورد نظر کرزی را به او ندادند و کرزی را ناراض ساختند.

- بعد از تصمیم امریکا به براندازی امارت اسلامی طالبان، بر اساس سخنان زلمی خلیل‌زاد، آقای کرزی را بار اول، داکتر عبدالله به امریکایی‌ها معرفی کرد تا رهبری افغانستان را به او بسپارند.

می‌بینید که کرزی نه با مجاهدین بیگانه است، نه با جنگ‌های مجاهدین، نه با ویرانی وطن و نه با ای اس ای که از مجاهدین، مخصوصاً از مجاهدین جنوب و شرق، کاملاً حمایت می‌کرد. کرزی آن‌طور که تعدادی تصور می‌کنند، فرشته نبوده و نیست.

اگر قرار باشد به گذشته برگردیم، کرزی را درگیر همان کارهایی خواهیم یافت که دیگران را. مهارت کرزی اما این بوده و هست که با گرگ دنبه می‌خورد و با چوپان پتیر می‌زند.



Karim Pakzad

مواقت‌نامه صلح با حکمتیار: صلح یا ادامه جنگ به اشکال دیگر؟

کلوسویچ متفکر پروسی اوایل قرن ۱۹ می‌گفت: «جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر». امروز منطق حکمتیار، اگر دقیق شویم، «سیاست ادامه جنگ است با وسایل دیگر». باور ندارید؟ توجه کنید به بیانیه او هنگام امضای این قرار داد. آقای حکمتیار گفت: «اگر رسیدن به اهداف تان از طریق صلح و گفت‌وگو و راه‌های مسالمت‌آمیز نتیجه نداد، کسی مانع جهاد و مقاومت نظامی شده نمی‌تواند.» آری وی از جهاد علیه دولت و تمام نیروهای که مخالف او هستند دست نکشیده. او برای کسب قدرت که از طرق جنگ موفق نشد، می‌باشد و آنرا باصراحت بیان می‌کند.

او فرد خشن و انتقام‌جوی است. بیاد دارید پیام او را دو سال قبل برای هزاره‌ها که تهدید می‌کرد «با حمایت امریکا و دل‌رهای امریکا و ایران شما به این موقعیت رسیده‌اید که حتا زمین‌های پشتون‌ها را (اشاره به کوچی‌ها) غصب کرده‌اید. روزی می‌رسد که حساب پس خواهید داد» (کم و بیش این‌را در حافظه‌ام دارم). و شکل این «جهاد» هیچ تفاوتی از جهاد داعش و طالبان ندارد. همین دیروز نماینده او امین کریم اظهار داشت: «ما عملیات انتحاری انجام ندادیم. عملیات ما استشهادی بوده!! مگر داعش و طالبان چیز دیگر می‌گویند. مگر از زبان طالبان و داعش شنیده‌اید که ما عملیات انتحاری انجام دادیم. همه از شهادت حرف می‌زنند.

اصلاً حکمتیار نه تنها به کابل آمده نمی‌تواند، بلکه فردی که در لیست سیاه تروریست سازمان ملل، امریکا و سایر سازمان‌ها قرار دارد، نمی‌تواند با یک رییس دولت چنین قراردادی را امضا کند. اگر هم خلای حقوقی یا تمایل سیاسی امریکا و سازمان ملل برای قبولی این امضا را در نظر بگیریم، به هیچ وجه وزن سنگین اخلاقی امضای کسی که بنام «فصاح کابل» مسما شده بود (و این به معنای این نیست که تنها مسئول جنگ‌های داخلی باشد ولی اصل موضوع تغییر نمی‌کند) حتا از عذرخواهی هم در برابر بازماندگان قربانیان بیشمار راکت پرانی‌های او اند، خودداری کند.

من طرفدار صلح و مذاکره حتا با طالبان هستم ولی مذاکره با آبرو که پا روی خون هزاران و ده‌ها هزار هم‌وطن ما نگارد.

رییس جمهور فیلیپین: با کمال خوشحالی حاضر م هم‌هی معتادان را بکشم

و جنایت در کشورشان گله داشتند اما هم‌زمان انتقادات شدیدی را در داخل و خارج از کشور به همراه داشته است.

علاوه بر گروه‌های مدافع حقوق بشر در فیلیپین، سازمان ملل، اتحادیه‌ی اروپا، ایالات متحده و چند کشور دیگر از شمار قربانیان «خشونت دولتی» و نقض حقوق بشر در این کشور انتقاد کرده‌اند. گروه‌های مدافع حقوق بشر گفته‌اند که این نوع مقابله با مفاسد و جرایم، حتا اگر در کوتاه مدت ثمربخش هم باشد، باعث نهادینه شدن خشونت در جامعه و تضعیف امنیت اجتماعی می‌شود و مفاسد بیشتری را در پی خواهد آورد.

رودریگو دوترته در سخنرانی روز جمعه، با اشاره به منتقدان اروپایی اقدامات خود، آنان را «گروهی بی‌شعور از ناب‌ترین نوع آن» توصیف کرد. او بار دیگر پیمان نظامی فیلیپین و امریکا را هدف حمله قرار داد و اتحادیه‌ی اروپا را به خاطر انتقاد از روش‌های خود، به دورویی متهم کرد و گفت که آن‌ها به جای خرده‌گیری از سیاست‌های دولت فیلیپین، بهتر است به وضعیت مهاجرانی که از خشونت در خاورمیانه گریخته و به آنان پناه آورده‌اند رسیدگی کنند.

در حال حاضر، مجلس سنای فیلیپین مشغول رسیدگی به این اتهام است که آقای دوترته در زمان شهرداری داوانو با تشکیل «جوخه‌های مرگ» در قتل قاچاقچیان و اعضای گروه‌های تبهکار شرکت داشت.

تصدی سمت ریاست‌جمهوری، به مشکل اعتیاد خاتمه دهد. او اخیراً خواستار تمدید این مهلت شده است.

او اخیراً تهدید کرد که قاچاقچیان و معتادان «خوراک ماهی‌های خلیج فیلیپین» خواهند شد و گفت که ترجیح می‌دهد برای کشتن معتادان، به جای صندلی الکتریکی که باعث مصرف برق می‌شود، آنان را به بار بیاویزد تا «سرشان از تن جدا شود».

رییس‌جمهور فیلیپین در سخنرانی روز جمعه یخود گفته که قربانیان هیتلر افرادی بیگناه بودند، اما کسانی که او خواهد کشت «همگی جانی» هستند و کشتن آنان «کشور را از شر مشکل اعتیاد و نسل آینده را از جهنم اعتیاد خلاص می‌کند».

به گزارش منابع خبری، از زمان انتخاب آقای دوترته در انتخابات ماه مه تا کنون، بیش از سه هزار نفر فروشنده و مصرف‌کننده مواد مخدر گاه به شکلی مرموز کشته شده‌اند و نزدیک به هفتصد هزار نفر هم خود را به مأموران دولتی تسلیم کرده‌اند.

واکنش‌ها به نحوه‌ی برخورد دولت با معتادان و تبهکاران

نحوه‌ی برخورد دولت جدید با معتادان و تبهکاران با استقبال بسیاری از مردم فیلیپین مواجه شده که از گسترش اعتیاد و رواج جرم

اطلاعات روز: رودریگو دوترته، رییس‌جمهور فیلیپین، گفته آماده است هم‌هی معتادان به مواد مخدر در این کشور را بکشد.

به نقل از بی‌بی‌سی، آقای دوترته، که به اظهارنظرهای جنجال برانگیز شهرت دارد، در سخنانی در روز جمعه بار دیگر بر لزوم اقدامات جدی برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و ریشه‌کنی اعتیاد در کشورش تاکید کرد و گفت که «با خوشحالی، حاضر م هم‌هی معتادان را بکشم».

رییس‌جمهور فیلیپین که پس از بازگشت از سفر رسمی به ویتنام، عازم شهر داوانو، زادگاه خود بود، با یادآوری کشتار یهودیان در دوره‌ی حکومت نازی‌ها در آلمان، گفت: «هیتلر سه میلیون یهودی را قتل عام کرد، فیلیپین سه میلیون معتاد به مواد مخدر دارد و من خوشحال می‌شوم همه را بکشم.» دولت فیلیپین تعداد معتادان این کشور را حدود سه میلیون نفر تخمین زده اما براساس اسناد تاریخی، در زمان حکومت هیتلر در آلمان، شش میلیون یهودی کشته شدند.

رودریگو دوترته در طول مبارات انتخاباتی، مبارزه با مفاسد اجتماعی و فساد اداری را به‌عنوان یکی از برنامه‌های اصلی خود مطرح کرد و از زمان آغاز زمامداری خود در سه ماه پیش، بارها از لزوم برخورد خشونت‌آمیز با معتادان سخن گفته است. او وعده داده بود که ظرف شش ماه از

اطلاعات روز: گزارش‌های حاکی است که پس از افزایش تنش‌های میان هند و پاکستان، ساکنان روستاهای نزدیک مرز هند و پاکستان به دلیل نگرانی از وخیم‌تر شدن روابط میان دو کشور خانه‌های خود را ترک کرده‌اند.

بر اساس گزارش رسانه‌های محلی، دریالت پنجاب هند، ساکنان شش ناحیه مرزی تخلیه می‌شوند و هزاران نفر از روستاییان محل سکونت خود را ترک می‌کنند.

به نقل از بی‌بی‌سی، این تحولات در پی درگیری میان دو کشور در منطقه مورد مناقشه کشمیر در روز پنج شنبه صورت می‌گیرد. هند گفته است شبه نظامیان را در منطقه تحت کنترل پاکستان هدف قرار داده است.

پاکستان این ادعای هند را رد کرده و گفته است دو تن از سربازانش در تبادل آتش در مرز کشته شده‌اند.

مقامات هند گفته‌اند ارتش پاکستان یکی از

نگرانی از افزایش تنش‌ها میان هند و پاکستان

درباره‌ی این است که آقای مودی رهبری قدرتمند است.

همچنان بسیاری در سراسر هند از این اقدامات به عنوان یک پیام قوی به پاکستان ستایش کرده‌اند.

پاکستان اقدامات هند را «تجاوز بی‌دلیل» خواند

نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان از آن‌چه «تجاوز بی‌دلیل نیروهای هندی» خوانده انتقاد کرده و گفته است ارتش کشورش از توان خنثا کردن «هر گونه برنامه‌ی شرورانه تضعیف حکومت پاکستان» برخوردار است.

اسلام‌آباد می‌گوید موضع هند، «تلاشی آشکار» برای منحرف کردن توجه از نقض حقوق بشر در منطقه است. بیش از ۸۰ نفر، که تقریباً همه معترضان ضد دولتی بوده‌اند در بیش از دو ماه خشونت علیه حکومت هند بر کشمیر کشته شده‌اند.

سربازان این کشور را که «به اشتباه» از مرز بین دو کشور در ناحیه کشمیر عبور کرده، اسیر گرفته‌اند. منطقه‌ی کشمیر عامل مهمی در بروز تنش‌ها میان هند و پاکستان بوده و تا کنون دو کشور به دلیل اختلاف بر سر این منطقه وارد جنگ شده‌اند.

روابط بین هند و پاکستان از اوایل ماه جاری پس از مرگبارترین حمله‌ی پیکارجویان به یک پایگاه ارتش هند در کشمیر طی سال‌های اخیر بدتر شده است. هند پاکستان را به این حمله متهم کرده، ادعایی که از سوی پاکستان رد شده است. حکومت تحت رهبری نازندرا مودی از حزب بی جی پی که با وعده‌ی سیاست سختگیرانه در قبال پاکستان به قدرت رسید تحت فشار بزرگی قرار دارد تا در برابر آن چه بسیاری در هند تروریسم مورد حمایت دولت پاکستان می‌دانند دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند.

بسیاری از ناظران می‌گویند هدف از اقدامات اخیر هند ارسال پیام به ناراضیان در داخل کشور

هشدار عربستان به عواقب مصوبه‌ی قانونی کنگره‌ی امریکا

در مورد حملات ۱۱ سپتامبر

کنند. در پی هواپیمارمایی‌های یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های مرکز تجارت جهانی و پنتاگن، نزدیک به سه هزار تن از شهروندان کشورهای مختلف جهان کشته شدند.

از مجموع ۱۹ هواپیماربا و تروریست که این حملات را انجام دادند، ۱۵ تن شان شهروندان عربستان سعودی بودند. تاهنوز شواهدی به‌دست نیامده است که دولت عربستان سعودی از این تروریست‌ها حمایت کرده باشد.

حکومت در ریاض اما راپزنی بسیاری کرد تا جلو تصویب قانون «جاستا» را در امریکا بگیرد. منتقدان می‌گویند که این قانون باعث بروز تنش و خراب شدن رابطه دو کشور متحد خواهد شد. بارک اوباما نیز نسبت به قانون «جاستا» نگرانی‌های خودش را دارد. وی در مورد این قانون گفته است که این می‌تواند مردم را به باز کردن دوسیه‌های جبران خسارت برای صدمات، آسیب‌های جسمی و کشته شدگان ماموریت‌های نظامی امریکا در خارج از کشور نیز تشویق کند.

که مجلس سنای ایالات متحده‌ی امریکا علیه وتیوی بارک اوباما به تصویب قانونی دادخواهی و عدالت برای قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتمبر رای داد.

باب کارکر، سناتور در مجلس سنای امریکای در مورد تصویب این قانون گفته است: «با در نظر داشت نگرانی در مورد اینکه ممکن است این قانون پیامدهایی را برایمان داشته باشد، با همدلی فوق‌العاده با بازماندگانی که داغ عزیزان‌شان را دیده‌اند و زمان طولانی با این مسأله زندگی کرده‌اند، کسانی که جان خودشان را در خطر انداخته‌اند و جان باخته‌اند، من امروز به تصویب این قانون رای می‌دهم».

وی در مورد عواقب این قانون اضافه کرد: «من درک می‌کنم که تصویب این قانون می‌تواند عواقب ناخواسته‌یی در برابر منافع ملی ما در پی داشته باشد». موافقت کانگرس امریکا برای پیگرد عربستان به خاطر حملات ۱۱ سپتمبر بستگان قربانیان می‌تواند براساس این قانون که «جاستا» نام گرفته از عربستان سعودی به محکمه‌ی فدرال ایالات متحده‌ی امریکا شکایت

اطلاعات روز: رای قاطع کنگره‌ی ایالات متحده‌ی امریکا به رد وتیوی رییس‌جمهور این کشور در مورد قانون شکایت قربانیان حملات یازدهم سپتمبر از عربستان، خشم مقامات سعودی را برانگیخت.

به نقل از دویچه وله، کنگره‌ی ایالات متحده‌ی امریکا وتیوی بارک اوباما در مورد مصوبه قانون شکایت خانواده‌های قربانیان یازدهم سپتمبر از عربستان سعودی را با اکثریت آرا رد کرد.

این مصوبه راه را برای خانواده‌های قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ باز می‌کند تا از عربستان سعودی به‌عنوان حامی تروریست‌ها شکایت کنند. ریاض اخیراً گفته است که تصویب این قانونی به تازگی «نگرانی بزرگی» ایجاد کرده است.

وزارت خارجه‌ی عربستان در اعلامیه‌یی با ابراز نگرانی از امریکا خواسته تا «اقدامات لازم را برای اصلاح این قانون به‌منظور جلوگیری از عواقب جدی ناخواسته‌یی که ممکن است در پی داشته باشد، انجام دهد».

این تقاضای عربستان در پی آن صورت گرفت

گواردیولا: جو هواداران سلطیک را در خانه می‌خواهم

پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی منچستر سیتی به تمجید از عملکرد سلطیک پرداخت و اذعان داشت که امیدوار است چنین فضایی در ورزشگاه اتحاد نیز به وجود بیاید.

بعد از ۱۰ پیروزی متوالی، نوار بردهای منچستر سیتی در جریان تساوی پرگل برابر سلطیک پاره شد.

تساوی برابر سلطیک: "هر باشگاهی تاریخچه خاص خودش را دارد. از عملکرد تیم بسیار راضی هستم اما باید عنوان داشت که سلطیک پیشینه قدرتمندی در اروپا دارد و ما نیز می‌خواهیم تاریخ سازی کنیم. بعضی از مواقع که از حریف عقب باشید، بازگشت آسان نیست خصوصا اگر این اتفاق دو یا سه بار رخ دهد. سعی کردیم خودمان را با شرایط بازی وفق دهیم. دمبله در سلطیک فوق العاده بود و ما در نیمه اول توپ را در اختیار حریف قرار دادیم."

پاره شدن نوار پیروزی های متوالی: "من در این رابطه هرگز با بازیکنانم صحبت نکرده بودم زیرا لزومی برای این کار نمی‌دیدم. نمی‌شود از بازیکنان انتظار داشت تمام بازی‌های یک فصل را پیروز شوند و این خواسته‌ای غیرممکن است. اما در کل در خلق موقعیت و کنترل بازی من از نمایش تیمم کاملا راضی هستم."



سیمونه:

به شاگردانم افتخار می‌کنم

دیگو سیمونه، سرمربی ایتالیایی اتلتیکو مادرید مدعی شد که به عملکرد تیمش مقابل بایرن مونیخ افتخار می‌کند و آن را یکی از بهترین بازی‌های اتلتیکو خواند.

اتلتیکو شب گذشته در کالدرون با تک گل نیمه اول کاراسکو موفق شد بایرن مونیخ را شکست دهد. پس از بازی سرمربی آرژانتینی به تمجید از عملکرد شاگردانش مقابل باورایی‌ها پرداخت.

او گفت: "احساس می‌کنم خوش شانس هستم که سرمربی این باشگاهم. ما باشگاهی با شور و انگیزه بسیار بالا هستیم و در هر بازی طوری ظاهر می‌شویم که می‌خواهیم. امروز از همه چیز لذت بردم. خیلی خوب پرس کردیم، عقب نشستیم و منتظر ضد حمله بودیم. وقتی باید به حریف فشار می‌آوردیم، به خوبی این کار را کردیم. ما خیلی مقتدرانه و مستحکم مقابل یک تیم بسیار قدرتمند در طول ۹۰ دقیقه بازی کردیم و به نظرم یکی از بهترین بازی‌های اتلتیکو تحت هدایت من بود."

کار تیمی ما امروز عالی بود. بسیار باهوش و مستحکم بودیم، توپ‌ها را به خوبی می‌ریزیدیم و ضد حمله می‌زدیم. ساویچ و گودین عالی بودند. ما ۴ مدافع میانی عالی داریم که فکر می‌کنم بهترین‌های جهان هستند."



فن پرس: فرزندانم تصمیم می‌گیرند کجای بازی کنم

روین فن پرس، مهاجم باتجربه فنرباغچه اعتراف کرد که فرزندان او در رابطه با باشگاه آینده او تصمیم گیرنده اصلی هستند.

این مهاجم ۳۳ ساله که سابقه بازی در فاینورد، آرسنال و منچستر یونایتد را داراست، تاکید کرد که فرزندان او عامل اصلی انتخاب باشگاه برای او هستند.

فن پرس گفت: "من در سالهای اخیر در تیم‌های مختلفی بازی کرده‌ام که تجربه بسیار خوبی برایم محسوب می‌شود. در طول این سالها متوجه شدم که نمی‌توان به طور قطعی برای آینده برنامه ریزی کرد و بسیاری از مسائل در لحظه رخ می‌دهد."

در سالهای اخیر، سعی کردم با دید باز با مسائل برخورد کنم. اتفاقات بسیار زیادی در طول مسیر رخ می‌دهد که شما می‌توانید آن را قبول یا رد کنید. این تفکر، رویکرد فکری من بوده است. از ۳ سالگی هلند را ترک کردم و شاید فرزندانم بیش از هلندی بودن، انگلیسی هستند زیرا بیشتر عمر خود را در این کشور گذرانده‌اند. با گذشت زمان، فرزندان من بزرگتر شده‌اند و حالا آنها می‌گویند که علاقمند هستند در کجا زندگی کنند."



ونگر: شاید پس از آرسنال سرمربی انگلیس شوم



فصل و با اتمام قراردادش با آرسنال به این گزینه فکر می‌کند.

او گفت: "هدایت انگلیس؟ اولویت من آرسنال است. اینجا همیشه باشگاه من بوده ولی روزی که آزاد باشم، چرا که نه؟ ولی در حال حاضر تمرکز من روی آرسنال است. در پایان فصل در این مورد تصمیم می‌گیرم. چیزی که بیش از همه چیز روی من تاثیر می‌گذارد این است که احساس کنم برای کاری مناسب هستم."



لوکاکو: هنوز به سطح سوارز نرسیده‌ام

سختی نیست بلکه باید بتوانم گل هم بسازم. مثل سرجیو آگوئرو، سوارز، کریم بنزما، رابرت لواندوفسکی که می‌توانند از هیچ گل بسازند و من هم باید همینطور باشم. در تمرینات با مربی سعی می‌کنیم شرایطی مشابه آن بسازیم. همه چیز در من هست ولی باید بروز بدهم."

لوکاکو درباره احتمال جدایی اش از اورتون گفت: "من در آستانه ترک باشگاه بودم ولی یک لحظه با خودم صبر کردم، یک هفته در پیش فصل به خودم وقت دادم که ببینم مربی چطور کار می‌کند. من هنوز جوان هستم و خیلی وجوه فوتبال وجود دارد که باید در آنها پیشرفت کنم."



آنچلوتی: بیش از حد کند بودیم

می‌رفت بازی سختی بود. می‌توانستیم بهتر بازی کنیم. توپ‌های زیادی از دست دادیم و روی ضد حمله گل خوردیم. آنها گل زدند و فکر می‌کنم سعی کردیم به بازی برگردیم ولی خیلی کند بودیم و برای همین است که فکر نمی‌کنم موقعیت‌های زیادی برای بازگرداندن بازی داشتیم. شکست همیشه تلخ است. هیچگاه شکست را نمی‌خواهیم. باید بازی را در دست می‌گرفتم و توپ‌ها را رو به جلو می‌بردیم. در شروع فصل هستیم و هنوز فرصت بازگشت به صدر جدول گروه را داریم و باید اتلتیکو را در بازی برگشت شکست دهیم. مقابل اتلتیکو باید سریع تر بود و از موقعیت‌ها استفاده کرد. نمایش خوبی نداشتیم ولی این فقط یک دیدار بود و بازی بعدی بهتر خواهیم بود."



رنال، بدترین تیم لیگ قهرمانان از لحاظ دوندگی

قهرمانان، از لحاظ دوندگی در رده آخر قرار دارد. رنالی ها تنها ۱۷۶ کیلومتر در دو بازی برابر اسپورتینگ و دورتموند دیده‌اند و به عبارتی هر بازیکن رنال تنها ۸ کیلومتر دوندگی داشته است. از این حیث تاتنهام در رده نخست قرار دارد با ۳۳۳ کیلومتر دوندگی. پس از تاتنهام، باشگاه های گلاباخ(۳۳۲،۸۵۰ کیلومتر)، ناپولی(۳۳۰،۸۴۴)، اتلتیکو(۳۲۵،۲۲۰) و زسکا مسکو با ۲۲۶،۴۵۹ کیلومتر دوندگی قرار دارند. بارسلونا در این رده بندی با ۲۱۶،۲۱۹ کیلومتر دوندگی، هجدهم است. جالب اینکه بروسیا دورتموند با ۶ کیلومتر دوندگی بیشتر نسبت به رنال در رده ۳۱ قرار دارد.

رنال از دو بازی اول خود یک برد برابر اسپورتینگ و یک تساوی برابر دورتموند کسب کرده است.

قوانین جدید کلپ برای بازیکنان لیورپول

یورگن کلپ، سرمربی لیورپول، قوانین جدیدی برای بازیکنان لیورپول در مورد استفاده از شبکه های اجتماعی وضع کرد و به آنها هشدار داد که انتظار دارد این استانداردها را همیشه حفظ کنند.

مامادو ساخو، مدافع لیورپول، با تازگی با انتشار پست هایی در شبکه های اجتماعی، خشم کلپ را برانگیخت و همین باعث شد تا او در این مورد به سایر بازیکنانش هشدار بدهد.

ساخو این پست ها را در روز بازی لیورپول مقابل هال سیتی منتشر کرد و یکی از قوانین اصلی کلپ در مورد به هم نخوردن تمرکز تیم در روز بازی را زیر پا گذاشت. بعد از این اتفاق، کلپ به سایر بازیکنان هشدار داد که نباید رفتار ساخو را تکرار کنند و چنین رفتاری را از سوی هیچ یک از آنها تحمل نخواهد کرد.

این مدافع فرانسوی بعد از مثبت اعلام شدن تست دوپینگش در دیدار فصل گذشته مقابل منچستر یونایتد در لیگ اروپا، برای لیورپول به میدان نرفت و اکنون با این شرایط، جایگاهش در ترکیب قرمزها بیش از پیش به خطر افتاده است.



تمدید قرارداد اوزیل با آرسنال با شماره جدید

نشریه بیلد ادعا کرد که مسوت اوزیل، ستاره آلمانی آرسنال، قراردادش را با این باشگاه تمدید کرد و از این به بعد پیراهن شماره ۱۰ توپچی ها را به تن خواهد کرد.

در حالی که در چند ماه اخیر شایعاتی در مورد آینده اوزیل در امپریتس به گوش می‌رسید، اکنون بیلد ادعا کرد که او با امضای یک قرارداد جدید، به این شایعات پایان داد.

در این گزارش آمده که اوزیل با این قرارداد جدید دستمزدی ۱۴۰ هزار پوند در هفته دریافت خواهد کرد و به پردرآمدترین بازیکن آرسنال تبدیل می‌شود.

البته مدت قرارداد اوزیل اعلام نشده اما همین تمدید قرارداد می‌تواند خیال هواداران آرسنال را راحت کند. او در سال ۲۰۱۳ از رنال به آرسنال پیوست و در این مدت یکی از ستاره های این تیم بوده است.



اینستا: برای صعود از گروه باید تلاش کنیم

آندرس اینیستا، کاپیتان بارسلونا معتقد است که تیمش برای صعود به دور چمپیونزلیگ باید تلاش کند. بارسلونا و سیتی در یک گروه قرار گرفته‌اند و این بدین معناست که کاتالان‌ها کار سختی برای صعود به عنوان تیم اول پیش رو خواهند داشت. با وجود کسب دو پیروزی و ۶ امتیاز، اینیستا معتقد است که تیمش باید باقی بازی‌ها را نیز جدی بگیرد تا با خیال راحت صعود کند.

او گفت: "هنوز بازی‌هایی مانده که به دور یک هشتم برسیم. هنوز مسیری طولانی پیش روی ماست. نتیجه ۳-۳ از دیگر بازی نشان می‌دهد که رقیبان ما قدرتمند هستند و باید تمام تلاش لازم را انجام داد."

اینیستا درباره تقابل با مانشن گلاباخ گفت: "پیدا کردن فضا برایمان خیلی سخت بود. فکر می‌کردیم که از ابتدای بازی ما را پرس کنند ولی اینطور نشد. بنابراین سبک بازی مان را عوض کردیم و سعی کردیم خط به خط پیش برویم و اینطور فضا ایجاد کردیم. بازی خیلی سختی بود ولی خوشحالم که سه امتیاز را کسب کردیم."



بسته های جدید اینترنت از ام تی ان

۳ بسته اینترنت هفته وار

۳ بسته اینترنت روزانه

۲ بسته اینترنت شبانه

۵ بسته اینترنت ماهوار



به بسته های جدید اینترنت خوش آمدید

حالا ام تی ان برای شما بسته های قابل نیازتان را پیشکش مینماید. شما میتوانید در یکی از ۳ بسته روزانه، ۳ بسته هفته وار، ۵ بسته ماهوار و ۲ بسته شبانه اینترنت اشتراک نموده و خریدت خویش را پس انداز نمایید. برای معلومات به جدول ذیل مراجعه نمایید:

نوع بسته	حجم	هزینه بسته	مدت اعتبار	مطریقه فعال نمودن
روزانه	۴۰ ام پی	۱۵ افغانی	همان روز	۱۱ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۱۰۰ ام پی	۳۰ افغانی	همان روز	۱۲ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۴۰۰ ام پی + رایگان برای فیسبوک	۵۰ افغانی	همان روز	۱۳ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
هفته وار	۲۵۰ ام پی	۷۵ افغانی	۷ روز	۲۱ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۵۰۰ ام پی	۱۵۰ افغانی	۷ روز	۲۲ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۱ جی پی	۲۵۰ افغانی	۷ روز	۲۳ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
ماهوار	۱ جی پی	۲۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۰ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۲٫۵ جی پی	۳۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۱ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۴ جی پی + رایگان برای فیسبوک	۴۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۲ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شبالی ۷ صبح	۸ جی پی	۷۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۳ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۱۵ جی پی	۱۳۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۴ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۳۵۰ ام پی	۲۵۰ افغانی	۱ روز	۳۱ را به ۴۴۴ ارسال نمایید
	۳٫۵ جی پی	۱۷۵ افغانی	۳۰ روز	۳۲ را به ۴۴۴ ارسال نمایید



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹۹ در تماس شوید. ثبت و راجستر سیمکارت منضم میباشد.

www.mtn.com.af @MtnAfghanistan

با شما در همه جا

آغاز برنامه ملی میثاق شهروندی



برنامه میثاق شهروندی زمینه مطمئنی خواهد بود برای کاهش فقر، محو بیکاری، رشد و انکشاف اقتصادی مردم، انکشاف روستایی و شهری متوازن، تقویت نقش زنان در جامعه و بالا بردن ظرفیتها در ساختار شوراهای انکشافی این برنامه، برای زنان سهم مساویانه با مردان یعنی ۵۰٪ در نظر گرفته شده است تا زنان شهرها و روستاهای ما بتوانند به صورت فاعلتر و بیشتر از پیش در امر انکشاف کشور نقش بازی کنند.

گذشته از آن، برنامه ملی میثاق شهروندی، منبعد منحصر به وزارت احیا و انکشاف دهات نبوده بلکه با وزارت های بیشتر مرتبط می باشد که با ایجاد هماهنگی دقیق میان وزارت های مذکور در عرصه های مشخص برای انکشاف و بهبود معیشت شهروندان سراسر افغانستان حتی در دور ترین و آسیب پذیرترین نقاط کشور، خدمات خویش را ارائه خواهد کرد.

جنبه شهری این برنامه ملی، مزیت دیگر است که تجربه های باز سازی و انکشاف را در شهرهای کشور نیز در عمل پیاده می کند و بدینصورت، برنامه میثاق شهروندی خصوصیت همه گیر و افغانستان شمول می یابد.

نزدیک خواهد ساخت. ضمناً توقع می رود که با این برنامه، تسهیلات و مدنیت شهری در روستاهای کشور نیز راه یابد و دیگر قریه های ما پسمانده تر از شهرها نباشند، بلکه یا همسان و یا هم بالاتر از شهرها به تسهیلات جدید زنده گی دست یابند.

ممیزه دیگر برنامه ملی میثاق شهروندی آنست که در کنار سایر مستفید شونده گان برنامه که عمدتاً مردمان عام روستا و شهرها خواهند بود، نقش برجسته یی به سهم بیجا شده گان، عودت کننده ها، معلولین، معیوبین، بیوه ها و کوچی ها نیز در نظر گرفته شده است تا آنان هم از خدمات همه جانبه برنامه ملی میثاق شهروندی مستفید گردند.

باتطبیق این برنامه ملی تلاش خواهد شد حدود شوراهای انکشافی وسعت گرفته و کلاستر یا مجتمعی متشکل از حدوداً هشت شورای انکشاف قریه ایجاد گردد تا به صورت وسیعتر اولویت های قریه و شهر ها را معین کرده و در ضمن آن رابطه مستحکم میان مردم با مردم، مردم با دولت و دولت با مردم را ایجاد نماید. گذشته از آن عنصر شفافیت و حسابدهی به شیوه جدی تر عملی خواهد شد و در این معادله همه کس به جای خود حسابده و مسؤول خواهند بود.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر تحقق داعیه انکشاف و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همواره تلاش وزریده است تا با تطبیق برنامه های متمر و عملی در این راستا، زمینه را برای بهبود معیشت هموطنان ما مهیا سازد. چنانچه با تطبیق برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، در روستاهای کشور، بیشتر از ۸۸۷۰۰ پروژه عام المنفعه در سکتورهای مختلف، در عمل پیاده شد که به گونه چشمگیری زنده گی مردم و سیمای روستاهای کشور را تغییر داد.

اینک با پایان گرفتن برنامه همبستگی ملی، سیر انکشاف متوقف نشده و با برنامه جدیدتر با معیارها و ارزش های بهتر پیگیری می شود. این برنامه ملی، میثاق شهروندی است که با گره زدن شهرها و روستاهای کشور، پایه های اقتصادی مردم را تقویت می کند و اساسی ترین نیازمندی های مردم را چون صحت، معارف، زراعت، آب، انرژی و غیره در قریه ها و شهرهای کشور برآورده می سازد.

برنامه ملی میثاق شهروندی اخیراً طی محفل شکوهمندی با اشتراک جلالتماب محمد اشرف غنی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، جلالتماب

